شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره دوم پنجشنبه ۲۲ حمل ۱۳۴۷ هـ ۱۱ اپریل ۱۹۶۸ ع

مایقین کامل داریم کـه آزادی حقیقی طبقات رنجبر فقط بدست خود رنجبران می تواند انجام گیرد.

بیکاری زادهٔ تقویهٔ سکتور دولتی است.

چرخ نظام اقتصادی مـو جـو دهٔ ملاك بوروکرات وتاجر بـوروکرات صرف منافع خود شان را بار آورده وبارسنگینی بدوش طـبقات رنجبر ونیمه رنجبر ودهقان تحمیل میکند. این بار گران اکثراً به تهیدستی و فقر دهقانان درده ، منجر شده وآنها را وا می‌دارد که مسکن اصلی خو د راترك نموده وبشهر ها روآورند . چون درشهر صنایع ملی بنابرتورید مـوا د استهلاکـی رونق گـر فته نمی‌تواند، نمی‌شود این همه سیـل بیکار، دهرا در فابریکه ها جذب کرد. از جانب دیگر پروژهای موا صلا تی ومخابراتی پلانهای اقتصادی دو لت که‌به‌منافع مرتجعین‌داخلی،امپریالیزم ومدافعین استعمار نوین منجرمیگردد بعد از اکمال، سیل بیکاران بر عدهٔ دیگـر آن افـزوده واین مرضی روز افزون‌بیکاری ازباعث‌تشدیدمناسبات صمیمی تا جر دلال با امپریا لیز م و مدافعین استعمار نوین، اوج گیـر است رنج بیـکاری نه تنها دهقا ن تهیدست ورنجبر شهری را در خود احتوا می‌کند، بل اهل کسبه،مولدین صنائـع دستی، متـعلمین صنو ف ششم ابتدائی ، متوسطه‌ها، لیسه‌ها وحتی لیسا نسه هارا دربر می‌گیرد. سکتور دو لتی اقتصاد در سر کوبی وورشکسته گی تا جر خورده پا و بیکاری اهل کسبه رول بارز دارد، فرهنگ نیمه استعماری ونیمه ملاکی ماکه بنام معارف متوازن‌مسمی شده، ومرچـه بیشتر نفـوذ به اصطـلاح معلمین ومتخصصین خار جی را در امور آموزش وپرورش اولاد و طـن اجازه می‌دهد جای معلمین ومحصلین شایسته افغان را اشغال کرده وآنها رابه جبهه بی کاران سوق می دهد . علاوتاً نیـرنگ کانکور در گسترش صفوف روشن فکران بیکار، سهـم فعالی دارد، از همه بالاتر اینکه یك عدهٔ از طلاب فارغ‌التحصیل صنوف متوسطه وابتدائیه بی وسیله دراکثر حصص مملکت در اثر نفوذ فر هنگ نیمه استعماری ونیمه ملاکی چنیـن بارمی آیندکه‌نه بدرد خودمی خورند ونـه‌به درد مردم، چـه شیوهٔ ایـن فرهنگ اکثراً «اماتور»بار آورده‌واین هم خود نوعی از بیکاری را تمثیـل می‌کند. نقطهٔ قابل تذکر دیگر ایـن است که نظربه احساس کـمبو د و نقصان در بودجه سالیانه وجبرا ن موقتی آن‌دولت مصمم است‌عدهٔ ا ز مامورین سابقه دار خورد رتبه رااز کار برکـنار سازد. واین خود مو ج جـندیدی را به امواج سابقهٔ سیـل بیکاری می افزاید، آیا طوفان ا ین امواج بیکاری در چهرهٔ اقتصادی ما چه تأثیر سوء دارد؟ روشن ا ست که‌درساحهٔ تولید چون‌نیروی مؤلـده بیکاران حصه‌ندارد، حجـم عـمومی تـو لـید رو بـه کـا هـش و نقصان می رود، از آن جاکه بیکاران نمی‌توانند برای رفع گرسنگی‌خویش ازکدام مدرکی پول بدست آرنـد . لذا به فقر غذائی روبرو شده وبـه مرور زمان نیروی جسمی خود را از دست داده وبابروز امراض مختلف صدمهٔ دیگر بر جریان «اقتصاد ملی» وارد می شود هکذا از اثر عسر ت و وتنگد ستی دست به چا قو کشی، دزدی ولگردی، فحشا ودیگر جرا یم اخلاقی میزنند چاره اصلی اینـهمه فساد ها وبدبختی در تحول عـمیق روش اقتصادی مضمر است، واین آرزو میسر نمی شود تا دگر گو نی عمیق در نظام اجتماعـی واقتصادی ایجادنگردد و فقط در پرتو اندیشه های نوین وشکست نا پذیر عصرما این آرزو ها برآورده می شود .

(رحیم محمودی)

داکتر عبدالله (محمودی)

اقتصاد دولتی کنو نی ماکه بنام سکتور دولتی مسماشده است.

از آنجا ئیکه بزرگترین ونیرومندترین قدرت اقتصادی در وضع کنـو نی جامعهٔما خود دولت است، لذاباتحلیل اقتصاد دولتی میتوان اقتصاد فعلی کشور را بخوبی درك کرد .

منابع عواید دولت در جر یا ن پلان پنجساله‌دوم چنین بوده است

	۱۳۳۹–۴۰	۱۳۴۴	
محصو لات وابرداتی:	۷۸۷	۱۱۳۰	ملیون افغانی
منافع تشبثات دولتی:	۲۹۷	۶۱۳	»
در آمد از جایداد هـا و سر ما یـه گذاری و فیس ها:	۲۶۴	۴۰۸	»
مالیات بر زمین و مواشی:	۱۱۴	۱۶۸	»
مالیات بر عایدات :	۱۸۸	۴۰۶	»
استقراض دولت از بانك مر کز ی (درظرف سه سال اخیر پـلان دو م			۲۶۷۰ »

پیکره های فوق نشان دهندهٔ این‌مطلب است که بزرگترین رقـم در منابع عایداتی داخلی دولت راتاجردلال تشکیل داده و منابع تشبثات خود دولت (تاجر برو کرات و ملاك‌برو کرات) حایز مقام دوم ا ست . علاوتا پیکرهٔ اخیر نشان مید هد که‌برنامه گذاری دولتـی علت حقیـقی انفلا سیون و بلند رفتن نـر خـها‌گردیده که این خود ریز ش سو د بیشتر به کیسه تاجر دلال را بارمی‌آورد .

منابع مالی خارجی پلان دوم‌متکی‌به سر ما یه گذاری ووامهای خارجی بوده و در دست دولت تمر کز دارد،که بالغ بر ۳۵۲ ملیون دالر میشود و تقریباً ۶۰ فیصد مصرف‌پیشبینی‌شده را احتوا میکند. این حقیقت بیانگر این مطلب است کـه اقتصادفعلی‌ما کاملایك‌اقتصاد نیمه‌استعماری است ودولت خـود عا مـل نفوذامپر یالیسم و مـدا فعیـن استعمار نـویـن در اقتصاد کشـور است.حقیقت زیریـن ادعـای مارا بیشتر تائید میکند: درتحویل مصارف‌داخلی‌پلان دوم که ۱۱٫۹ ملیارد افغا نی بوده، نصف آن یعنی ۵٫۶ ملیا ردافغانی، از طریق امدادموداداستهلاکی خارجی بدست آمده است. این امرنشان مید هد که افغا نستان‌حیثیت بازار فروش فر آورده های اضا فی‌ممالك امپر یا لیستی و مدا فعیـن استعمار نوین را اختیار کرده است.سهم دول خارجی در ین کـو نـه «کمك» بقرار ذیل است:

ایالات متحده ۱۳۷۳ملیون افغانی
اتحاد شو روی ۱۰۹۸ »
آلمان غربی ۳۸۸ »
مو سسه غذائی جهان (تحت نظارت‌دول امپریالیستی) ۵۱ ملیون افغا نی

علاوتاً مجموع امداد فنی و تخنیکی‌که تحت موا فقت نا مه های مر بوط (به اصطلاح توأمیت های فر هنگی‌وغیره) به افغا نستان داده شده مجمو عاً سالانه به ده ملیون دا لرتخمین میگر دد ، کـه استخـدام متخصصین خارجی و اعزام محصلین‌افغانی بخش بیشتر آنرا احتوامیکند از ین حقیقت چنین بر می آید کـه‌اقتصاد دولتی خود عامل‌نفوذفرهنگ استعماری فـا سد و دنبا لـه روان‌نو ین آنها می باشد.

اکنون با ید بر رسی کرد، د رظرف پلان دوم، اقتصاد دو لتی چه ثمراتی بار آورده است ؟

مواصلات و مخا برات درین‌پلان،مقام اول را دارا بوده‌ومبلغ۹ملیاردو یکصد ملیون افغانی یعنی ۳۵ فیصد مجموع‌مصرف‌حقیقی‌پلان‌دوم‌راتشکیل میدهد. صنایع و معادن جای دوم رااحراز و ۹ ملیارد افغانـی یعنـی ۳۴٫۷ فیصد مجموع مصرف حقیقی‌پلان دوم را احتوا میکند. زرا عت و آبیاری ۴ملیارد وسه صد ملیو ن‌افغانی یعنی ۲۶٫۶ فیصد مجمو ع مصرف حقیقی پلان را دربر میگیرد.

این ار قام گواه آنست که پلا ن‌دوم در افغانستان پا یه های‌اقتصادی یك اقتصاد نیمه استعماری را کـه‌در خد مت تا جران دلال برو کر ات امپر یا لیسم و مدافعین ا ستعمارنوین قرار دارد، استحکام بخشیده است. زیرا موا صلات ومخا بر ات

(ص۴)

ع ، بنیاد

راه رشد غیر سرمایه داری

یا رشد سرمایه داری بیروکرات

امروز در آسیا ، افریقا وامریکای لاتین یك عده از کشور ها که زمانی مستعمرهٔ دول بزرگ امپریالیستی بودند، رسماً به آزادی سیاسی نایل شده اند . در امر مبارزه به خاطره آزادی ملی ، تمام افراد وطبقات مردم این کشور ها (به استثنای عدهٔ ناچیزی خائنین به ملت ونوکران سر سپردهٔ استعمار) اشتراك ورزیده اند .

ولی از آنجا نیکه صد ها سال حاکمیت استعماری بر گردهٔ این ملل سنگینی داشت، طبقات رنجبر نتوانست بنابر علل بی شمار وگوناگون ، رهبری مبارزات آزادی خواهی ملی را به کف گیرد ، در نتیجه پس از حصول آزادی سیاسی ، حاکمیت دولتی به دست طبقات متوسط ودر برخی کشور ها ـ ملاکین افتاد ، بدینترتیب درین کشور ها دولت هایی ایجاد شد که از نگاه ماهیت خویش متعلق به سیستم جهانی سرمایداری بوده ودر عین حال با دول پیشرفته امپریالیستی باختر تضادی نیز دارد .

پس از کسب آزادی در برابر این دول جوان از یکسو میراث شوم استعمار یعنی اقتصاد نیمه ملاکی و نیمه استعماری ، واز سوی دیگر وظیفهٔ رشد اقتصادی و پیشرفت ملی قرار گرفت . در داخل ، سیستم تولیدی فرتوت ملاکی در خارج ، سیستم طفیلی امپریالیستی موانع عمده در راه پیشرفت اقتصادی این کشور ها به شمار می آید . با آنکه استعمار گران کهنه ازین کشور ها بیرون رانده شده اند، ولی نفوذ اقتصادی ایشان دست نخورده ماند ، زیرا گرگ از در بیرون رفت ، ولی پلنگ از پنجره داخل شد، ، استعمارگران نوین ومدافعین استعمار نوین به شیوهٔ های نوین استعماری باشدت هرچه تمامتر بغارت ددمنشانهٔ خود درین کشور ها ادامه میدهند . سیستم تولیدی ملاکی زمینهٔ مساعدی برای استعمارگران نوین (ومدافعین استعمار نوین) در داخل این کشور ها بوجود آورده تا ایشان بتوانند از یکسو این کشور هارا بحیث منابع مواد خام واز سوی دیگر بصورت بازار فروش خویش در آورند . بدین ترتیب مبرم ترین وظایفی که در برابر دولت های جوان این کشور ها قرار گرفت مبارزهٔ پیگیر علیه آمپریالیسم واز میان بر داشتن سیستم منفور ملاکی بود . ولی سرشت طبقاتی این دولت ها سد راه تحقق کامل وپیگیر هر دووظیفهٔ نامبرده گردیده. آنها با آنکه علم مبارزه ضد امپریالیستی را بر افراشته اند ، ولی پیگیری ندارند، دربرابر هر گامی پیش ده گام به عقب بر گشته اند .

در اوایل آنها در مبارزات ضد امپریالیستی خود به موفقیت هایی نایل شدند ، اکثر صنایع و موسسات راکه در اختیار آمپریالیست ها قرار داشت «ملی» ساختند ولی همزمان با آن برای تیره ساختن افکار مردم برنامه های «سوسیالستی» اعلام داشته ، به استقراض خارجی

بقیه در صفحه ۳

داکتر هادی محمودی

عصر زوال امپریالیزم (۲)

تنها در سال ۱۹۶۷ به ۳۰ هزارملیون دالر بالغ شده بود. نقصان دائمی بیلانس تادیات افزایش قروض ومصارف سرسام آور نظامی موجب کسر بودجهٔ دائمی ایالات متحده مخصوصاً درسال های اخیر گردید که برای جبران آن بصورت ظاهری، امپریالیزم امریکا دست به انتشار بی پروای دالر زد. ازیکسو نقصان تجارت خارجی وبیلانس تادیات بطور روز افزونی ذخیره طلای امریکارا به ته می کشید واز سوی دیگر بجریان افتادن مقادیر زیاد دالر در بازار انفلاسیون شدیدی را باعث شده ونرخ کالای امریکائی را بالامی برد که این بنوبهٔ خود برنقصان تجارت خارجی وکسر بیلانس تادیات می افزود . این عمل دائره وارمعیوب همچنان به جریان خود ادامه می دادوهرسال جدید نسبت به سال پیشتر ذخیرهٔ طلا کمتر، دالر کاغذی بیشتر نرخ ها بلندتر، مصارف جنگی سنگینتر ونقصان بیلانس تادیات زیادتر و مهمتر از همه بی اعتباری بیشتر دالر، این تهداب سنگ سیستم پول سرمایه داری۔ را هدیه می آورد . درحال حاضر مقدار کلی دالر درجریان سراسر جهان به ۴۱٫۶ بلیون می رسد، درحالیکه ذخیرهٔ طلای امریکا ۱۱٫۴ بلیون دالر بیشتر نیست. یعنی تقریباً ازهر چهار دالر، فقط یکی واقعاً یك دالر است وسه تای مابقی کاغذ خالی! اینست علت تلاش زر جویان جهان !

دالر کاغذی که زمانی خود طلای ناب بود، اکنون فقط کاغذش بجا مانده !!

سرانجام علل بحران اقتصادی کنونی که سیستم جهانی سرمایه داری رااز بیخ وبن بلرزش در آورده است، کدا مند ؟

۱ـ سرشت امپریالیزم، یعنی: استثمار وصدور سرمایه، مصارف جنگی وتشدید تسلیحات (ملتیاریزم) وشدت یافتن تضاد های میان خود امپریالیست ها که زادهٔ تکامل ناموزون سیستم سرمایه داری انحصاری میبا شد .

۲ـ رشد روز افزون جنبش زحمتکشان در داخل کشور های امپریالیستی، از یکسو، وگسترش وشدت یافتن مبارزات انقلابی خلق های آسیا، افریقا وامریکای لاتین برضد استثمار، واستعمار کهنه ونو شعله های آتش مبارزات خلق ها وملل محکوم اکنون از جنگل های دلتای مکونگ در آسیا تا به جنگلهای انبوه دریای کانگو درقلب افریقا ودامنه کوه های کلیمانجرو واندس درامریکای لاتین دامن کشیده وامپریالیست ها وسگهای زنجیری شانرا بخاکستر مبدل میسازد جنبش زحمتکشان درکشورهای امپریالیستی باختر وجنبش دموکراتیك ملی، ملل محکوم خاور، دو جریان کبیر است که عقب گاه امپریالیزم را هر روز تنگتر ساخته، تضاد میان دول امپریالیستی را شدت بخشیده و سر انجام سیستم طفیلی وفرتوت امپریالیستی را بگور خواهند سپرد زیرا این خلق وفقط خلق است نیروی محرك که تاریخ جهان را میسازد!

(پایان)

«واصف» باختری

حماسه شعله ها

توای همرزم و همزنجیر وهم سنگر
سر از دامان پندار سیاه خویشتن بردار .
مگر از دشنهٔ خو نریزد زخیمان
مگر زین روسپی خویان بد گوهر
هراسی در نهانگاه روان خویشتن داری
مگر مینای روحت از شرنگ ترس لبریز است ؟
گناه است اینکه میگونی
افق تار است و شب تار است وره تار است ونا هموار
امید پیشتازی نیست در این راه ظلمتبار
توای همرزم وهمزنجیر وهم سنگر نمی دانی
که جاویدان نباشد این سیاهی دیو فسو نکاری
ندارد پایهٔ دیرندگی اورنگ اهریمن؛
سر آید این شب تاریك وغمگستر
ودرپایان این شب این شب خاموش هستی سوز
ودر فرجام این تاریکی تلخ وروا نفرسا
برآید آفتاب سرخ از خاور
تو تنها نیستی در سنگر پیکار
تو تنها نیستی رزم آزما بد یومردم خوار
که از هر گوشهٔ گیتی
که از هر کارگاه وروستا و شهر
نوای کارزار وبانگ رستا خیز می آید
توهم بر خیز وبارز. مندگی پیکارخونین را پذیراشو
بسوی مرگ هستی بساز دشمن سوز پویاشو
مگر ای همره وهمرزم هم زنجیر وهمسنگر نمی دانی
که دراین دشت واین صحرا
دراین وادی که بر آن بالهای مرگ خونین سایه گسترده
درآین پهنا
که مرغان بر فراز شاخسارانش سرود رنج میخوانند
دراین کشتی که آنرا ناخدایان فسونگستر
بسوی ساحل بیداد می رانند
در این دریای موج آگین وتوفانزای غمهای توانفرسا
که اندر کارگاهانش
روان رنجبر در کورهٔ بیداد می سوزد
که اندر روستا های تهی از سبزه وآبش
که اندر دشتهای خشك وسوزانش
دل بر زیگران چون نخل های تشنهٔ صحرا
بود در آرزوی قیر گون ابری
که از آن بردرخشد آتشی وتندبارانی فرود آید
بسوی توست چشم روستایی پیرمردانی.
که زخم تازیانه پشت شانرا کرده همچون کشتزاران پرشیاروچین
وچشم مادرانی بینوا کاندر دل شبها
برای کودکان خویشتن
این سبزه های باغ رنج افسانه می گویند
وچشم رهنوردانیکه بار رنجها بردوش ودل پرجوش ولب خاموش
در این دشت ودامان راه می پویند
وچشم ژرف بین قهرمانانیکه اندرگوشه های تار زندانها
بپا زنجیر ها وبند های آهنین بردست عمری زنده در گورند
که تابر خیزی وزنجیر هارا بشکنی وبر فرازی
پرچم آزادگی وبر فروزی آتشی
تا این خسان این ناکسان در آن بسوزند

راه رشد غیر سرمایه داری ...

پرداخته ، بر نامه‌های اقتصاد ی طرح نمودند و «سکتور دو لتی اقتصادی» را ایجاد کردند وبه‌وسیلهٔ گسترش دامنهٔ «ملی کردن» حتیٰ سرمایه های ملی غیر دولتی رانیز به سکتور دولتی بدل سا ختند **بدینطر یق شریانها ی اقتصاد ی کشوررا بنام «بخش‌دولتی» بدست خود گرفتند** . دولت به بزرگترین سرمایه‌دا‌ریعنی**سرمایه داربیروکرات دلال وسکتور دولتی** بزرگترین و مؤثرترین عامل وابستگی اقتصاد ی این کشور ها به بیگانگان (آمپریالیسم و مدافعین استعمار نوین) گردیده از جانب دیگرطبقات حاکمه درین کشو ر ها نظر به سرشت طبقاتی‌خود که‌هرروزهمپای تبدل خویش به‌سر مایه‌داربیروکرات دلال بیشتر ارتجاعی ووابسته به بیگانگان (امپریالیزم ومدافعین استعماری نوین) میگردند، نتوانستند شیوهٔ تو لید ملاکی را از ریشه بر اندازند وبه فقر و مسکنت مولدین اصلی رنجبران ــ نیمه رنجبرا نه دهقانا ن ــ پایان بخشند خواست اصلی دهقانان یعنی بدست آوردن زمین ، همچنان حل نشد • باقیماند ویا در بهترین حالات به صورت نیم بند ، موقتی وظاهری ماست مالی شد .«درنتیجه» **این‌کشور ها هنوز هم در وضع نیمه استعماری ونیمه ملاکی بسر می‌برند** .

بطور نمونه یکی ازین کشور ها، **برما** را در نظر می گیریم.رشدبخش دولتی اقتصاد درین کشور بیش از سایرین بوده وبه قول بعضی ها «پیش آهنگ آن‌عده از کشور ها ی جوان آسیایی و افریقایی است که **راه رشد غیر سرمایه‌داری** را بسر گزیده اند ».

زمامداران فعلی **برما** که متشکل از نظامیان عالی رتبه می باشد در سال ۱۹٦۲ رویکار آمد و بتدریج بوسیلهٔ برنامه های «ملی کردن» **سکتور دولتی** را گسترش داد. در سال ۱۹٦۳ بانك ها ، تجارت‌برنج صنایع جنکلات و پطرول را ملی ساخت. سپس دست به دولتی‌کردن موسسات متوسط و کوچك متعلق به‌طبقه .متوسط (تاجران ملي وغیره) درسال ۱۹٦٤ تمام بنگا ی های‌عمده فروشی تجارت خرده ومغازه‌های‌کلان **رنگون** و سراسر کشور مشمول قا نون «ملی کردن» گر دید. د ر سپتمبر ۱۹٦٤ دولت **برما** اعلام داشت بیش از ۳٤ نوع محصو ل زراعتی که دهقانان مجبور به‌فروش به‌بهای نازل تعین شده از طرف دولت گردیده بودند **بکلی تحت** کنترول حکومت در آمده است . در سال ۱۹٦٦ **باز هم اعلام شدکه٤۲٦** نوع محصول صنعتی ، زراعتی و دریایی بوسیله دولت خرید و فروش میگردد .

بدین ترتیب‌شریان های‌اقتصادی برما ــ سرمایهٔ مالي ــ بانك داری، تجارت خارجی ، صنایع ، حمل و نقل ، مخابرات وهمچنان مجاری تجارتی در شهر و روستا همگی در اختیار دولت برما **یعنی سرمایه داران بیرو کرات دلال** قرار گرفت چنانچه در سال ۱۹٦٤ و۱۹٦٥ تقریباً ۹۸ فیصد تجارت خارجی ، ۸۱ فیصد سرمایه گذاری کلی ، و ٤۷ فیصد تولید مجمو عی کشور در بخش دولتی اقتصاد بود .

در ساحهٔ ارضی دولت برما نه تنها مانعهٔ در راه منا فع طبقهٔ ملاکین ایجاد نکرد بلکه آنهارا به حال خود شان‌باقی گذاشت‌دهقانا ن که۸۰فیصدجمعیت راتشکیل‌میدهند یا هیچ زمینی ندارند ویا بقدر کافی زمین ندارند ودر زیر باربهره کشی ملاکی بیش از پیش رنج می برند . بر نامه های به اصطلاح «دگرگونی سوسیا لیستی کشا ورزی» باآنکه‌در وضع مالکیت ملاکین ودهقا نان‌مرفه تغییرات اساسی بار نیاورده ، سبب کاهش تولیدات کشاورزی‌نیز گردیده است .

تولید برنج به سطح یک سوم سابق تنزیل نموده و شمارهٔ‌بیکاران به ۸ر۱ ملیون نفر بالا رفته ،کمبود شد ید گندم ، رو غن، تکه، دوا وسایر ضرریات روزانهٔ زند گی محسوس است بر نامه های«ملی کردن» تولید صنایع را پایان برده وصنایع کوچك و متوسط یکی پس از دیگری بسته شده ویا در اثر کمبود مواد خام در تو لیدا ت شان نقصان رخ داده است و قیمت ها به طرز سر سام آوری بالا رفته وبازار سیاه شیوع بی مانندی‌یافته است .

همهٔ اقداما ت «ملی کردن» و «بر نامه گذاری» وغیره زیر عنوا ن **سو سیالیزم** «و به اصطلاح **راه برمائی سوسیا لیزم**» به عمل آمده است .

آیا میتوان «ملی کردن »و بر نامه گذاری» این گونه د و لت ها را **سو سیا لیزم شمرد ؟**

یك قرن پیش ، در سالهای‌هفتاد قرن نزدهم ، بزرگترین **متفکر پیشرو** با جملات‌زیرین این‌نوع«ملی کردن ها را» به باد استهزا می گرفت :

«پس از آنکه بیسمارك دولتی کردن موسسات صنعتی را در پیش گرفته ،یك نوع سو سیا لیسم قلابی پدید گشته که هر آن دارد به چیزی شبیه نوکر منشی وجیفه خواری تغییر شکل میدهد وبدو ن هیچگونه تر دیدی تمام «مالکیت‌های دولتی» حتی نوع بیسما ر کی آنرا سوسیالیزم می خو اند .... که اگر ازین منطق پیروی گردد ، آنگاه «شر کت دریا نور د ی دولتی» و «صنایع چینی سازی دولتی» وحتی دکانهای خیاطی غند در اردو نیز سو سیا لیستی بوده و حتی دولتی کردن فا حشه خانه ها نیز ــچنانچه یك چا کر در گاه در دوران سلطهٔ فریدریکه ویلهلم سوم بطور جدی پیشنهاد میکرد . سوسیالیستی می‌باشد.»

امروز برای گروه های انحصاری کشور آمپر یالیستیو سرمایه داری بیروکرات دلال در کشور های نیمه مستعمره، معمول چنان است که،ملی کر دن ، ویا سکتور دو لتی را **سوسیا لیزم قلمداد نمایند. و لی** دروافع امر، ملي کرد ن‌دریك کشور **نیمه مستعمره که تحت سلطه سرمایه داران بیروکرات دلال قرار داشته باشد ، به معنی رشد سرمایهٔ داران بیروکرات ، وور شکستگی طبقات متوسطه (تاجران ملي وغیره) ووابستگی بیشتر کشور به بیگانگان (آمپریالیسم‌ومدافعین استعمار نوین است .**

این رنجبران‌برما اند که بابازواز نیرو مند خود، صاحب هر چیز خود خواهند شد ، نه کس دیگری .

(پایان)

پیکار با اندیشه های زهر آگین

اسد

استعمار و همدستا نش چه در کشور ما وچه در ممالك مختلف‌به خور شیدی می ماند که در ظلمت غرب فرو میرود . در حالیکه جنبش رهایی بخش زحمتکشان ورنجبرا ن روز بروز شگوفان شده و چون خورشید صبحگاهی از افق سر بیرون می کشد .

نیرو های ترقیخواه ووطن‌پرست افغانستان متوجه هستند که عصر ما عصر زوال امپر یالیزم است . امپر یالیزم در برابر جنبش ها ی خلقهای آسیا ، افریقا وامریکا ی لاتین قدرت مقاومت را از دست‌داده وواپسین روز های حیات خرد را سپری می کند جنبش های ضد ملاکی و ضد سرمایه داری خلقهای سراسر جهان ومارش ظفر نمو ن زحمت کشان ورنجبران لرزه بر اندام کلیه نیرو های ضد خلقی وضد دیمو کراسی انداخته است .

استعمار کران وهمدستا نشان‌در برابر این سیل خرو شان واین جنبش ظفر نمون رنجبران و ستمدیدگان به خاطر منافع طبقاتی وابقای خوددر برابرنیروهای پیشرو توده ای از هیچ نوع ددمنشی دریغ نمی کنند .

مدافعین استعمار نوین و یا سازشکاران‌با نیرو های سیاه‌داخلی وخارجی این دشمنان راه نجات‌خلق، با ماسکهای گونا گون وبا عقا ید ماستمالی شده میخواهند خلق ستمدیده و محروم ما را یکبار دیگر بگودال سیاه بدبختی سرنگون‌ساخته ومیدان تاخت وتاز استثمار گران را وسیع تر نموده ومانعه ای درراه پیشرفت مردم بسوی سر منز ل مقصود ایجاد نمایند .

کشتار جمعی ازفرزندان‌صدیق خلق امثال دکتور محمودی‌سرور جویا ، براتعلی تاج و غیره با طرق‌وذرایع گوناگون به شیوهٔ‌ضدمردمی ،تعدی وتعرض نیرو های سیاه داخلی و خارجی برای ملت مارنجها وبد بختی های فراوانی به ارمغان آورده است ولی این تعدی وتعرض واین ترور و کشتارفرزندان صدیق خلق نمودار زورمندی قدرتهای سیاه نیست‌بلکه واپسین تلاشهای آنان ونز دیکی توده به پیروزی است اینست حقیقت عینی و تخطی نا پذیر .

نیرو های سیاه هر اندازه بیشتر به آد مکشی دست زنند وبا قدرت هر چه بیشتر گلوی خلق را فشا ر دهندو (ندأ خلق) را مختنق سازند جنبش نجات بخش توده ها نیرومند تر ومرگ مرتجعین نزدیکتر خواهد شد .

شیوه انتقاد اصولی تنها دردرون خلق مورد عمل‌قرارمیگیرد ولی‌هرگز نمیتوان امید داشت که‌امپر یالیستها ومرتجعین ازطر یق‌انتقادات اصولی مهربانی نشبان داده و براه راست بر گردند .

یگانه راه نجات خلق، راه تشکل نیرو های خلقی است. برای مبارزه علیه ارتجاع ، امپر یالیزم ومدافعین استعمار نوین، برای‌طرد استعمار نو وکهنه ، در راه پیروزی خلق به پیش، وبخاطر پیروزی بنیاد زند گی نوین به ارادهٔ زحمتکشان ورنجبران بگذار مرتجعین ونیرو های‌سیاه و تمام عناصر دو پوشه بر فرزندان صدیق خلق دراین راه نجات بخش خنجر زنند. مابا ایمان بر اینکه ایدو لوژی پیشرو عصر نوین ملاك تضاوت قشر رو شنفکر ونیرو های تر قیخواه افغانستا ن است وبه ایمان به‌توده هاوبه شرط اینکه با آنها یکی شویم از تهدیددار و دستهٔ ضد خلقها هراسی نداریمو درراه‌همبستگی ونجات‌توده‌های‌رنجبر افغانستان بدون رعب و ترس وبا ارادهٔ شکست نا پذیر مبارزه‌خواهیم کرد .

جاوید باد مبارزات دیمو کراتیك نوین .

«بقیه ص اول»

اقتصاددولتی کنونی ما که...

عصری‌شرط اصلی بهره‌کشی کا مل و همه جا نبه تا جران دلال راتشکیل میدهد . سروی منابع طبیعی زمینه استثما ر امپر یا لیسم و مد ا فعین استعمار نوین را مهیا میسازد .

تو لیدات صنعتی پلان پنجساله باز هم بیشتر سبب تقو یت آن‌رشته های‌ازاقتصاد شده کـه در خد مت تاجران‌دلال بروکرات وامپر یالیسم ومدافعین استعمار نوین قرار دا رد.

چنانچه افزایش تولید انر ژی برق، زغال، گاز، پنبهٔ گـواه این مـطلب است.

بنابران بصورت عمو مـی نتیجه پلان دوم در اقتصاد کشور عبا رت است از:

در ساحه مالی وا بستگی ما را به امپر یالیسم ومدافعین ا ستعمارنوین تشدید نموده است.

درساحهٔزیر بنای اقتصاد ی ز مینهٔ بهرکشی بیشترواًسیعترامپریالیسم و مدافعین استعمار نوین را ایجاد نموده‌است.

درسا حـه تولیـدات ملی ومحـلی سبب سر کوبی وور شکستگی تاجر ملی، اهل کسبه وا قتصاد خا نگـی رو ستائی گردیده است.

د ر سا حهٔ ز ر اعتی با عث تنا ز یل تولیدات مواد غذائی و و ا بستگی بیشتر ما به مواد استهلاکی‌وافزایش مواد خام صنعتی صا دراتی شد ه است .

همهٔ این عوامل سبب شده، که موج بیکا ران رو ستائی را به‌شهرها سرا زیر ساخته از یکسو با عث تشکل صف روز افز ون بـیکاران گردیده واز سوی دگر نظربه‌کاهش تو لیدات و انفلا سیـون، صعـود نرخهارا بار آورده و مشقت و آ لام مو لدین اصلی نعمات مادی رابیشتر سازد.

وضع اقتصادی فعلـی ما چـنین است، ازپلان سوم اقتصادی، جهت رشد آنرا میتوان تعیین نـمو د : اولا، سهم سر مایه خارجی بیشتر میشود، و ٤٧ فیصد مجموع سرمایه گذاری را در بر میگیرد که ا یـن فیصدی بادر نظر گرفتن مجموع‌مبلغ سر مایه گذاری پلان سوم یعنی ٤٩ ملیارد افغانی، افزا یشی را نظر به پلان دوم نشان میدهد. ثانیاً، امداد مواد استهلا کی خارجـی تقریباً ٤٠ فیصد بیشتر از پلان دوم پیش بینی شـده. ثالـثاً، سر ما یـه گـذ اری خصوصی را در رشته های صنایع مواد غذائی، استهلاکی و تعمیر اتی سـوق داده است. رابعاً، سنگینـی حجم سر ما یه گذا ر ی از صنایع‌و معادن بزراعت و آبیاری انتقال‌یافته است.

بنا بر آن پـلان سوم از یکسو باعث رشد بیشتر خا صیت نـیمه استعماری و نیمه ملاکی اقتصاد ما گردیده واز سوی دیگر سر ما یـهٔ گذاری خصـو صی را عـمداً درآن رشته هائی سوق داده اند که‌ورود مواد استهلا کـی خا ر جـی باعث ور شکستگی آن میگردد، زیرا تاجر ملی توان رقـابت با انـحصا رات کهنه کار امپر یا لیستی و مدا فعین استعمار نوین را ندارد.

تحلیل فوق نشان مید هد کـه تقویهٔ سکتور دولتی اقتصادوابستگی بیشترمارا به‌امپریالیـسم و مدا فعین استعمار نوین بار آور ده و علـت اصلی فقر، بیکاری، جهل و بیماری توده های رنجبـر ، نیمـه ر نجبر ودهقان بشمار میرود. از آنجا ئیکه سیاست، بیان فشردهٔ اقتصاداست، بناءاً هر تحول اقتصادی کـه بنفع توده های مو لد اصلی با شد، فقط میتواند از راه دگر گو نی ها ی‌عمیق سیاسی تحقق پذیرد.

زمونږد جامعی داوسنی طبقاتی

روابطو یوه څیړنه

ژوره علمی او مترقی تفکـر د ي ته اړ دی تر څو چه دهري پد ید ي دبازرسی دپاره نه دذهنی تعریف ، بلکه باید دموجوده عینی واقعیتو او مشخص تحلیل نه‌شروع وشي . پـه اجتماعي څیړنه کی ترهر څه دمخـه باید دتولید شیوه وپیژندل شی چه زموږ په‌هیواد کي دتولید اسا سـی لیار ملاکی ده. ځمکه دتولید پرا خه وسیله، بزگر دتولید مهمه طبقه ا و ځمکه لرونکی داستثمار گرونبکاره طبقه ده. په‌عین حال کی تجارت هم دتولید به‌ننی بنه کی ډیر ا همیـت لري او تجارتی پانگه پس دمځکـی نه زموږ داوسنی تولید په مناسباتو کی یوبل عامل گڼل کیږی. نو ددی واقیعت په رڼا خپل اجتماعی طبقاتی مناسبات به‌په لاندی ډول ومومو .

څرنگه چه دتولید اصلی لیـار ملاکی ده، نو دملاك طبقه زموږ پـه اقتصادی اوسیاسی ژوند کی د یـر مهم رول لوبوی مگر ددی طبقی ټول افراد یو ډول موقف نلری کولای‌شو چه دوی په دوه ډلو وویشو. لمړ ی هغه ملاکین چه ددوی مالکیت دولتی لاری‌نه تامینیږی، دوهم هغه ملاکین چه‌په دولتی چاروکې مستقیمه برخه نلری. لمړی‌ډله‌خپل طبقاتی‌خاصیت له رویه تاجربروکرات سره نژ دې رابطه لري اوپه‌حقیقت‌کی داقتصادی اوسیاسی جهانی استعماری نظـا م (له هری خوانه چه وی) کړی دمحلی ملاکینو سره تشکیلوی. دوهمه ډله دامړی ډلی اجتماعـی او اقتصاد ی قوت پـه مـملکت کـی تامینوی .

لمړی ډله ملاك بروکرات او دو همه ډله ملاك غیر بروکرات گڼلی شو .

دافغانستان تجارتی سـر مـایه **دجهانی امپر یالیستی او دنـو ی استـعمار دمدافعینـو او دداخلی مـلا کینـو د فشا ر لـه رو یـه** نشی کولای چه‌په یوازی صورت‌سره په مختلفوصنعتی‌لارو کی‌برخه‌واخلی لدې کبله مجبوراً په‌خارجی تجارت کی‌په کار غرزی . نو لـدی خـا یـه **دتاجر دلال‌طبقه کمپرادور مـنـځ تـه ر ا غـلـی ده.**

او ددی طبقی سیاسی نمایندگانو ته تاجر بروکرات ویلای‌شو چه ددولتی په سازمان‌کی‌دیو حساس مو قیعت لرونکی دی او دا ډله ددی طبقـی او بروکرات ملاك سره دگڼو د یـو ځای کیدو او طبقاتی پیوند نقطه‌ده.

زموږ او سنی دولتی اقتصاد چـه دولتی سکتور نوم ورباندی ایښو د شوی دی‌ټول دملاك‌بروکرات اوتاجر بروکرات په‌لاس کی دی او پـدی ترخ زموږ مملکت داقتصاد د نقطی نظره نیمه استعماری خواته وړی . ځکه‌دیو خوانه ملی صنایع نبریږدی چه وده وکړی اوله بلی خوا دجهانی **امپریا لیستی او دنوی استعمـا ر دمدافعینو نظام ته‌په مـملکت کـی داختار داری چارې برابروی .**

نولدی جهته ـ ملاك بیروکر ا ت اوتاجر بیروکرات، څرنگه چه زموږ دمملکت اقتصاد دودی په‌مقابل کـې مهمه خنډ تشکیلوی دخلك اول نمبر دشمنان دی.

داصلی مولدینو «کارگران‌او بزگران» او دوه‌منځ کی ذکر شوی گټه‌وړونکی طبقو په منځ کی‌یوډیره گڼه طبقـه شته او دوه جانبه خاصیت لری چـه هم ستم کوی اوهم ستم گالی او پـه مختلفو اقتصادی سویو ژوندکوی‌او **په‌بل عبارت دی طبقی ته متوسطـه طبقه ویلا ی شو ،**

هغوی چه‌ددی طبقی په‌عالی قشرکی پراته دی داقتصاد له نقطی نظـر ه ملی‌تاجر ورته ویـلای شو او پا تـه برخه ئی د اصلی مولد ینو سره په یوه قطار دریږی، کم رتبه دو لتـی مامورین،وړوکی‌تاجران،روشنفکران، متوسط زمینداران اوکسب گران‌پدی طبقه کی‌ځای‌لری‌داډله‌په‌ژورو‌اجتماعی ځای لری داډله په ژورو اجتماعـی جنبشونوکی هم‌دتعداداوهم داقتصاد خصوصیات او تفکر له کبله ډیر ارزښت‌وړده،داډلـه‌بیـغیر د لمړی قشر څخه د خلك ددوستانو شمیرل کیږی.

«نوربیا»

دخلکو چیغه

ولسی ژوندون دپـاره یا رانه‌زمو نږه‌ده
مونږ غوا ړوخپل حقونه ، زما نه ز مونږه‌ده
سا قی دکی پیمانی چښی پیمانی‌تشی‌زمونږدی
پیمانی دکوخپلی ، میخـانـه زمـو نـږ مـده
زوړ ربا باو زوړ مطرب دی‌ترانه‌نی‌زړه شوی
رباب نوی‌مطرب نوی ، ترا نه ز مو نږه ده
زړو ورانو کنډوا لو کښی مونږه‌کله نورو سیږو
بیلډنگونه‌لوړ اصرونه گلخانو زمونږه ده
مال‌او سر زمونږ قربان‌د ی‌دا فغان ولس‌دپاره
دایثار وینه رگو کښی‌مستا نه ز مو نږه ده

محمد ها شم (زما نی)

مردم قهرمان ویتنام

جنگ شما جنگ آزا دی بخش است .پیروزی نهایی از آن‌شماست تاطرد نهایی امپریالیسم از خاك تان به جنگ تـوده ای وآزادی بخش دو ام بد هید . همه مـر د مان انقلابی جهان از شما پشتیبا نـی خوا هندکرد .

صاحب امتیاز ومدیر مسئول
دا کتر ر حیم (محمودی)
آدرس حصه اول جاده میوند
متصل مهمان و ر کشاپ
حساب درپښتنی تجارتی
با نـك (٧٣٧٤)
حق الاشتراك
مرکز ه ١٠٠ افغانی
ولایات ١١٠ «
خارج ١٠ دالر
هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هرشماره دو افغانی
دولتی مطبعه